

الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه

دکتر محمدتقی آذرشب* / سید محمدجواد مؤمنی**

چکیده

امنیتی سازی یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای منطقه خاورمیانه است نظر به اهمیت امنیت در ساختار نظام بین الملل منطقه خاورمیانه را باید یکی از مناطقی دانست که رویکردهای امنیتی در آن از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. بسیاری از تهدیدات امنیتی ریشه در منطقه دارد کشورهای منطقه به این تهدیدات دامن می‌زنند و از سوی دیگر به دلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیک و منابع سرشار نفت در خاورمیانه قدرتهای منطقه‌ای نقش چشمگیر و موثری در بروز تهدیدات امنیتی دارند. از جمله شاکله این پژوهش طرح نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان است که خاورمیانه از جمله مناطقی است که این نظریه بر آن صدق می‌کند. همجواری، هویت مشترک، شباهت‌ها و تضادها، نیازهای اقتصادی و پیوندهای فرهنگی و قومی از جمله متغیرهای مجموعه امنیتی منطقه‌ای هستند. ایجاد امنیت منطقه‌ای مستلزم ساختاری مشارکت جویانه که بر پایه اعتماد سازی است از این رو استراتژی امنیتی جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به امنیت در چارچوب تعامل سازنده با کشورهای منطقه امکان پذیر خواهد بود که این امر نیازمند تهدید زدایی و غیر امنیتی کردن استراتژی امنیتی ایران در منطقه تبلور خواهد یافت.

کلید واژه‌ها

مجموعه امنیتی منطقه‌ای، ساختار مشارکت جویانه، تعامل سازنده، تهدید زدایی، استراتژی امنیتی ایران.

* دکترای مدیریت استراتژیک از دانشگاه سانتامونیکا ایالات متحده آمریکا

** کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا از دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (نویسنده مسئول)
mohammad.j.momeni@gmail.com

مقدمه

محیط امن مقدمه تحولات اساسی و دگرگونی در ساختار نظام اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. امنیت از جمله مفاهیمی است که تابع انتزاعات ذهنی، تجربیات و حوزه قدرت است و مربوط به محیطی است که همواره نا امنی از آن برداشت می‌شود که این تعریف رویکردی سلبی نسبت به امنیت است در رویکرد ایجابی مراد از امنیت ایجاد فضای مناسب و شرایط مطلوب است. اساسی‌ترین رفتاری که امنیت را در معرض خدشه قرار می‌دهد تهدید است؛ هر چیزی که بتواند امنیت را از بین ببرد، احساسش را مخدوش کند و از حرکت آن در راستای منافع و اهداف جلوگیری نماید تهدید نامیده می‌شود. براساس مرجعی که برای امنیت انتخاب می‌شود به راحتی می‌توان تشخیص داد که چه چیزی تهدید می‌باشد. هر چیزی که اهداف مرجع امنیت را مورد خدشه قرار دهد تهدید است.

منطقه در برگیرنده جغرافیایی خاصی است که در جغرافیایی سیاسی مشخص شده است گروهی از کشورهای یک حوزه جغرافیایی که دارای مرز مشترک می‌باشند یک منطقه را تشکیل می‌دهند و غالب در تعریف منطقه خصوصاً از نظر تئوری مجموعه امنیتی منطقه‌ای سرزمین و داشتن مرز مشترک بین کشورهاست. کشورها براساس حوزه‌های جغرافیایی به مناطقی تقسیم می‌شوند که دارای فرهنگ‌های متعدد، زبان و ادیان متنوع هستند و یک مجموعه را تشکیل می‌دهند. امنیت منطقه‌ای واحدی از سطح تحلیل بین‌المللی است که واحدهای سیاسی امنیت خود را در آن جستجو می‌کنند واحدهای که آن اندازه به هم نزدیک هستند که امنیت آنها از هم قابل تفکیک نیست و نگرانی‌های امنیتی آنها را به یکدیگر گره می‌زند. در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، امنیت کشورها به هم وابسته است و کشورها برای تأمین امنیت ناگزیر از تعامل و همکاری می‌باشند (برزگر، ۱۳۸۸: ۷۶).

در دنیای پیچیده کنونی تدوین استراتژی‌ها و پیش‌بینی تحولات آینده از ضرورت‌های است که دولت‌ها برای تأمین امنیت به آن نیازمند هستند. به کارگیری استراتژی مناسب و مطلوب در جهت کم کردن تنش‌ها از جمله ضرورت‌های است که اهمیت فراوانی برای اثر گذاری و تعامل سازنده و مؤثر با کشورهای منطقه دارد. کشورهای منطقه خاورمیانه با توجه به شرایط داخلی و با توجه به ساختار نظام بین‌الملل با یک نا امنی فراگیر و همه جانبه دست به گریبان هستند این گونه کشورها نمی‌توانند در بعد امنیتی از تأثیر نظام بین‌الملل بر سمت گیری‌ها و سیاست‌های خارجی خود چشم‌پوشی کنند. جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی خود با

تهدیدات متعددی مواجه است که موجب شده امنیت و بقای نظام به مخاطره افتد گسترش سلاحهای کشتار جمعی، رشد تروریسم، افراطی‌گرایی و بنیادگرایی، وجود منازعات و اختلافات درونی، منازعات و شکاف‌های قومی و قبیله‌ای، مهاجرت‌ها و جریان آوارگان و پناهندگان، ناآرامی‌های اجتماعی و خشونت‌گرایی، کاهش رفاه و رشد بیکاری و بی‌ثباتی‌های ناشی از آلودگی محیط زیست از جمله تهدیداتی هستند که ناشی از محیط پیرامونی کشور است. این در حالی است که کشورهای فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای برای مخدوش کردن چهره جمهوری اسلامی ایران در منطقه در تلاش هستند تا با تبلیغات شدید و اتهاماتی نظیر فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای تولید بمب اتمی، همکاری و حمایت از تروریسم بین‌المللی و نقض حقوق بشر در جهت بی‌اعتبار کردن و منزوی ساختن ایران گام بردارند.

سوالی که در این پژوهش به آزمون گذاشته می‌شود این است که ساختار امنیتی خاورمیانه چه الزامات و بایسته‌های را متوجه استراتژی امنیتی ایران می‌کند؟ فرضیه پژوهش حاضر نیز که در ادامه در صدد تبیین آن هستیم عبارت است از اینکه امنیت در خاورمیانه مستلزم ساختار مشارکت جویانه و همیارانه است که شاخصه اصلی آن در قالب فرایند غیر امنیتی کردن استراتژی امنیتی ایران در منطقه تبلور می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عرب منطقه در زمینه‌های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی نگرانی‌های متقابل دارد که حفظ اعتماد متقابل برای هر دو طرف اهمیت بیشتری خواهد داشت. امنیت مشارکتی می‌تواند به بهبود روابط بین کشورهای منطقه کمک کند. بر این اساس نظام امنیت مشارکتی فرایندی همراه با اقدامات اعتماد ساز است که امنیت را از زاویه تنگ نظامی خارج و از رقابت به همکاری تبدیل می‌کند.

با پیروزی گفتمان اعتدال‌گرایی در انتخابات یازدهم و دوازدهمین دوره ریاست جمهوری شاهد تغییر ملموس در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستیم ادامه فضای اعتماد آمیز در نتیجه انتخاب دکتر حسن روحانی نیازمند تغییر لحن، نگرش و رویکردهای سیاست خارجی است. در این میان نهادهای بین‌المللی از جمله عوامل تسریع‌کننده همکاری میان دولت‌ها هستند همکاری و تعامل با نظام بین‌الملل به ویژه کشورهای منطقه خاورمیانه و بهره‌مندی حداکثری از نخبگان و صاحبان‌اندیشه در سیاست خارجی می‌تواند در غیر امنیتی‌سازی استراتژی‌های امنیتی ایران مؤثر باشد همچنان که در جریان پرونده هسته‌ای ایران و در طول ۲۲ ماه مذاکره با قدرتهای بزرگ که در نهایت منجر به انعقاد توافق برجام (برنامه جامع اقدام

مشترک)^۱ در روز سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ (شامل چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) شد که می‌توان این اقدام ایران را در جهت استراتژی مشارکت جویانه و غیرامنیتی جلوه دادن سیاست‌ها در نظر گرفت یک نمود دیگر در جهت تهدید زدایی محیط پیرامونی ایران را می‌توان به مبارزه ایران، روسیه و ترکیه علیه داعش و گروه‌های تکفیری در عراق و سوریه دانست.

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان

بعد از جنگ سرد منطقه گرایی به عنوان یک چشم انداز نظم امنیتی شناخته شد. منطقه به عنوان یک واحد جغرافیایی است که از چندین کشور تشکیل شده که حدود آن براساس مرزهای فیزیکی و ویژگی‌های ایدئولوژیک تعیین می‌گردند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۴). در واقع برای شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای چندین متغیر لازم است از مهمترین متغیرها وضعیت جغرافیایی است. همجواری چند کشور، مرزها، وسعت و غیره عناصر جغرافیایی هستند که براساس آن‌ها منافع مشترک یا متضادی را برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند از جمله متغیر دیگر هویت است عوامل مختلف ایدئولوژیکی و سیاسی در پیدایش هویت یک منطقه نقش مهمی را ایفا می‌کند. شباهت‌ها و تضادها پیش زمینه شکل‌گیری نظام منطقه‌ای را فراهم می‌کنند. از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری نظام‌های منطقه‌ای نیازهای اقتصادی کشورهای یک منطقه به یکدیگر و پیوندهای فرهنگی، قومی، مذهبی و تاریخی است که در پیدایش نظام‌های منطقه‌ای نقش زیربنایی را دارند. لویس فاست معتقد است؛ کشورها در روند منطقه گرایی به دنبال قدرت و امنیت هستند. و در جهت بقای نظام خود با دیگر کشورها همکاری می‌کنند. دولت‌های نیرومند و قوی منطقه بنیان‌گذاران روند منطقه گرایی هستند و دولتهای کوچک به دنبال دست‌یابی به مزایای همکاری‌های منطقه‌ای که حداقل‌ترین آن تأمین ثبات و امنیت است هستند (فاست، ۱۳۸۷: ۳۰۸).

واضع نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان است بوزان در تعریف اولیه از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای چنین اظهار می‌دارد گروهی از دولت‌ها که نگرانی اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدایی

^۱. Joint Comprehensive Plan of Action

از یکدیگر مورد توجه قرار داد. در کتاب مناطق و قدرتها نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد بازنگری قرار گرفت در تعریف جدید بوزان و ویور یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین توضیح داده‌اند مجموعه‌ای از واحدها که در آنها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دوی آنها آن اندازه درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدایی از یکدیگر تحلیل یا حل شود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵).

بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای تهدیدات مسافت‌های کوتاه را آسان‌تر و راحت‌تر نسبت به مسافت‌های طولانی طی می‌کنند. در واقع ترس‌ها و دغدغه‌های درون منطقه‌ای باعث ظهور مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌شود. مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای ویژگی‌ها و متغیرهای است اولین متغییر وابستگی متقابل امنیتی است که از عوامل رشد همکاری است که باعث تبیین روابط و رفتار دولتها در عرصه روابط بین الملل و منطقه‌ای می‌شود. وابستگی متقابل امنیتی ناظر بر وجود شبکه‌ای از تعاملات و روابط امنیتی بین اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که باعث ایجاد احساس مجموعه بودن میان گروهی از کشورها می‌گردد و از طرف دیگر بدین معناست که وجود یک مجموعه امنیت منطقه‌ای امکان دارد لزوماً با خواست و اراده کشورهای عضو این مجموعه انطباق نداشته باشد (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶). وابستگی متقابل امنیتی به معنای آن است که نا امنی یک واحد به معنای نا امنی در واحدهای دیگر است این وجه مثبت وابستگی متقابل امنیتی است و در وجه منفی امنیت یک دولت به معنای نا امنی دیگر واحدهاست دولتها به دلیل اهمیتی که به رفاه ملی می‌دهند ناچارند از طریق دیپلماسی و ابزارهای مسالمت آمیز با واحدهای سیاسی دیگر رابطه داشته باشند که به نوبه خود وابستگی متقابل بین دولتها را به وجود می‌آورد. وجود الگوهای دوستی و دشمنی دومین ویژگی مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که ناظر بر وجود اختلافات تاریخی میان کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌باشد. بوزان و ویور معتقدند که الگوی دوست و دشمنی از سطح منطقه‌ای آغاز شده که بازیگران جهانی را از یک طرف و متغیرهای داخلی را از طرف دیگر در بر می‌گیرد این الگوی ویژه که کی از چه کسی می‌ترسد و یا چه کسی را دوست دارد ترکیبی از سیاست، تاریخ و شرایط مادی به صورت درونی در سطح منطقه تولید می‌شود (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۸).

سومین ویژگی یک مجموعه امنیت منطقه‌ای مجاورت جغرافیایی است بوزان و ویور داشتن مرز مشترک میان اعضای مجموعه امنیتی منطقه‌ای را لازم می‌دانند در واقع مرز جغرافیایی

مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از مناطق دیگر جدا و متمایز می‌سازد از سوی دیگر لیک و مورگان قدرتهای فرامنطقه‌ای تاثیرگذار را جزء مجموعه امنیت منطقه‌ای می‌دانند (پیشین، ۵۶). چهارمین متغیر در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای وجود حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر است قدرتهای منطقه‌ای و قدرتهای جهانی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای از یکدیگر تفکیک می‌شوند. در جهانی که در آن حدود ۲۰۰ دولت وجود دارد ابرقدرتها یک انتهای طیف قدرتهای عمده را اشغال می‌کنند و قدرتهای منطقه‌ای نظیر برزیل، نیجریه، مصر، ایران و... انتهای دیگر طیف را به خود اختصاص می‌دهند در وسط این طیف قدرت، قدرتهای بزرگ قرار دارند که قوی‌تر از قدرتهای منطقه‌ای هستند اما فاقد تمامی ویژگی‌های ابر قدرتها هستند (پیشین، ۴۵-۴۴).

امنیتی سازی / غیر امنیتی سازی

امنیتی سازی^۱ را بوزان در مکتب کپنهاک ابداع کرد مکتبی که امنیت را از بعدهای نظامی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مکتب کپنهاک دولتها را قویترین بازیگران در نظام بین الملل می‌داند و به جهت اقتدار سیاسی حالتی مسلط و غالب داشته و از ابزار زور استفاده می‌کند. امنیتی سازی فرایندی است که به موجب آن موضوعی که قبلاً و اساساً امنیتی نبوده در مقوله امنیت می‌گنجد یا تعریفی امنیتی از آن می‌شود غیر امنیتی کردن برخلاف آنچه که ذکر شد تبیین می‌شود یعنی موضوعی که از درجه امنیتی برخوردار است تقلیل پیدا می‌کند و از دستور کار امنیتی خارج می‌شود. گفتمان امنیتی سازی و شکستن قوانین و رویه‌های موجود دو شرطی هستند که موضوعی را امنیتی می‌کنند. گفتمان امنیتی ساز شامل بازیگران کارآمد می‌شود که فرد یا گروهی هستند که موضوعات را با اظهار این مسئله که چیزی از لحاظ وجودی در معرض تهدید است امنیتی می‌سازند. بازیگران کارآمد صرفاً دارای تأثیر بر تصمیمات در حوزه امنیت می‌باشند بازیگران امنیتی ساز تنها مرجع امنیتی ساختن یک موضوع می‌باشند. اما برای آنکه موضوعی در آستانه امنیتی شدن قرار گیرد باید از قوانین، مقررات و رویه‌های جاری کشور مورد نظر عبور کند. که نیازمند اقدامات ضروری و خارج از رویه‌ها می‌باشد (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). در واقع امنیتی سازی

^۱. Securization

نتیجه شکست دیپلماسی و بن بست سیاسی است امنیتی سازی کاربرد قوه قهریه و به کارگیری ابزارهای نظامی را موجه سازد.

غیرامنیتی سازی^۱ به معنای گسترش دادن مرزهای سیاست معمول است. غیرامنیتی سازی عبارت است از فرایند خارج سازی مسائل از دستور کار امنیت و بازگرداندن آنها به حیطه مذاکرات سیاسی عمومی و کوشش در رفع اختلاف و نیل به مصالحه سیاسی معمول است. اعلام اینکه موضوع یا عامل خاصی دیگر مشمول تهدید امنیتی نمی‌شود منجر به ادامه بحث در خصوص صحت این اعلان می‌شود. بنابراین غیر امنیتی شدن نه از طریق مذاکره بلکه بواسطه عدم وجود بحث و مذاکره در مورد آن روی می‌دهد (آراس و کارکایا پولات، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۶). در پاسخ به این سؤال که واحدهای که فرایند غیرامنیتی کردن در آنها رخ می‌دهند کدامند؟ نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای همچنان دولت‌ها را به صورت دو فاکتو در مرکز ساختار امنیت جهانی قرار می‌دهد و نیز به واحدهای دیگری غیر از دولت‌ها هم اجازه بروز و ظهور می‌دهد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای دولت‌ها و بازیگران غیردولتی را واحدهای می‌داند که پویش‌های غیرامنیتی را انجام می‌دهند. در این میان نقش دولت‌های قوی بیش از دیگر واحدهاست.

غیر امنیتی سازی فرایندی است که یک مسئله یا موضوع از حوزه امنیتی خارج می‌شود و بدون ابهام در دستور کار سیاسی قرار می‌گیرد. امنیتی کردن مسائل سیاسی در سطح داخلی منجر به سیاست خارجی غیر انعطاف پذیر و دشمن گرا در سیاست منطقه‌ای می‌شود. در صورتی که غیر امنیتی کردن راه را برای انعطاف پذیر نمودن روابط با کشورها هموار می‌کند. امنیت زدایی به قراردادن یک موضوع خارج از سیاست اشاره دارد که توجه همگان را از آن دور می‌کند و به معنای به کارگیری موضوعی بدون ابهام و قرار دادن آن در دستور کار سیاسی می‌باشد (اولاف نادسن، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

کشورها همواره مسائل و عواملی را به منظور ایجاد یک هویت ملی امنیتی می‌کنند. فرایند غیر امنیتی کردن عبارت از حذف یک مسئله یا عامل خاص از فهرست این فرایندهاست گاهی اوقات برخی تهدیدها دیگر ذهن و تصورات ما را کاملاً به خود مشغول نمی‌کنند و تصورات تکان دهنده‌تر و قدرتمندتری را جایگزین آنها می‌گردانند. در واقع وقتی موضوعی در دستور کار نباشد جایگاه واقعی آن به راحتی قابل تشخیص نیست.

^۱. Desecuritization

امنیت‌سازی، مربوط به شرایطی است که زمینه‌های کنش همکاری جویانه بازیگران منطقه ای و قدرت‌های بزرگ در راستای تحقق اهداف مشترک ایجاد شود. تا کنون موضوعاتی از جمله نبود موازنه قدرت منجر به تداوم جدال‌های منطقه‌ای، ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی در خاورمیانه شده است. در ساختار نظام دو قطبی، بازیگران اصلی نظام بین‌الملل تلاش می‌کردند تا روند امنیت منطقه‌ای را بر اساس ضرورت‌های ساختاری و بین‌المللی پیگیری کنند. از سال ۱۹۹۱ به بعد، رهیافت‌های جدیدی برای امنیت‌سازی منطقه‌ای در دستور کار قرار گرفت. از جمله این موضوعات می‌توان به تبیین رویکردهای فرا اثبات‌گرایانه اشاره کرد. این موضوع از طرف برخی از کشورهای منطقه‌ای نیز استقبال شد. به طور مثال شاهد شکل‌گیری فرا تنش‌زدایی در سیاست خارجی ایران هستیم.

خصائل امنیتی منطقه خاورمیانه

مبحث امنیت یکی از مهمترین مباحثی است که مرتبط با اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورهای خاورمیانه است بیشترین چالش‌ها و تهدیدات در منطقه خاورمیانه بویژه زیر مجموعه آن خلیج فارس وجود دارد. در واقع بحث از امنیت در خاورمیانه مساوی با در خطر افتادن بقاء و حاکمیت دولت‌های منطقه است. منطقه خاورمیانه کانون بحران در جهان است و معماری امنیت در منطقه در بالاترین سطح وجود دارد از یک منظر ریشه بحران‌ها در درون کشورهای منطقه است به گونه‌ای که به میدان کارزاری تبدیل شده و هر کشوری به دنبال افزایش قدرت خود و کاهش قدرت دیگران است. از سوی دیگر در بروز تهدیدات در خاورمیانه نقش متغیرهای جهانی برجسته است حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای باعث تشدید تنش‌ها و تقویت اختلاف‌ها میان کشورهای منطقه و قومیت‌ها شده است از این رو تهدیدات در خاورمیانه در دو حوزه تهدیدات درون منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) خصائل امنیتی در سطح منطقه‌ای

جنگ میان کشورهای منطقه، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، اقتصاد توسعه نیافته، دولت‌های ضعیف و شکننده، بحران مشروعیت و هویت، رشد تروریسم از جمله تهدیداتی است که باعث شده‌اند منطقه با حجم وسیعی از بی ثباتی و ناامنی مواجه شود و هیچ گونه نظام امنیتی در راستای استقرار نظم امنیتی پایدار و جامعی شکل نگرفته است با وجود اینکه امنیت

دغدغه مشترک کشورهای منطقه است اما ساز و کاری برای مدیریت بحران‌ها و امنیتی سازی شکل نگرفته و بین دولتها اختلاف نظرهای جدی وجود دارد.

سلاح‌های کشتار جمعی^۱ به عنوان یکی از ابزارهای افزایش قدرت است. دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در مرحله اول برای جلوگیری از حمله دشمن و قدرت بازدارندگی و ایجاد ترس است. در مرحله بعد دست یابی به این گونه سلاح‌ها در جهت به دست آوردن موقعیت و پرستیژ ملی است. چندین عامل باعث گرایش کشورها به سلاح‌های نا متعارف و متعارف در کشورهای خاورمیانه شده است از جمله آنها پرستیژ و جایگاه بهتر در منطقه و جهان، نیاز به بازدارندگی رقبا و دشمنان، وجود مسابقات تسلیحاتی میان کشورهای منطقه، بدبینی و بی اعتمادی به دوستان و عدم پیش بینی دشمنان آینده نیاز به کسب توانائی نظامی را افزایش داده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

سلاح‌های کشتار جمعی با وجود گروه‌های تروریستی ابزاری خطرناک برای کشورهای منطقه است. این بازیگران به دلیل غیر دولتی بودن و عدم احتیاط و اهداف خطرناکی که دارند استفاده از این سلاح‌ها را در خاورمیانه گسترش می‌دهند که نتیجه‌اش جز تنش و نا امنی نخواهد بود. یک دولت ممکن است به دلیل رقابتی که با دولت‌های دیگر دارد گروه‌های تروریستی را به این سلاح‌ها بر علیه رقبا و دشمنانش مجهز کند. ریشه تروریسم را در خاورمیانه می‌توان در نوع آموزش‌های دینی در کشورهای نظیر عربستان، یمن و عراق دانست که افراطی‌گری را دامن می‌زنند. در واقع بن لادن، القاعده و پیروان افغان و عربش و گروه‌های تکفیری و داعش به نوعی دست ساخته قدرتهای بزرگ به ویژه امریکا هستند که هدف اولیه از شکل گیری و پرورش آنها جلوگیری از نفوذ شوروی در افغانستان بود آنها نه به خاطر تفاوت‌های مذهبی یا فرهنگی بلکه به واسطه حضور امریکا در عربستان محل دو مسجد (دار الشرفین) و کنترل این کشور بر نفت اعراب و محاصره عراق و حمایت از اسرائیل علیه فلسطینی‌ها بر علیه امریکا تغییر موضع دادند (Busch, 2003: p.236).

منطقه خاورمیانه کانون منازعات مرزی و سرزمینی است می‌توان گفت که تمامی کشورهای عضو منطقه با یکدیگر بر سر مرزها اختلاف دارند و همین آینده منطقه را تیره و تار کرده است. خاورمیانه از جنگ جهانی دوم به این طرف منطقه‌ای بحران زا و جنگ زده بوده است. جنگ اعراب با اسرائیل، جنگ ایران و عراق و جنگ عراق و کویت و در حال حاضر جنگ عربستان و

^۱. Weapons of Mass-Destruction

یمن تنها نمونه‌های از جنگ‌های مهمی هستند که در این منطقه روی داده است. این جنگ‌ها خود نمایانگر تعارض در منطقه خاورمیانه است اختلافات مرزی انعکاس ماهیت مبهم دولت در منطقه است اختلافات میان مصر و لیبی، اردن و سوریه، مراکش و موریتانی، اسرائیل و لبنان و عربستان سعودی و یمن که ناشی از میراث استعمار و شکل‌گیری مرزهای مصنوعی بدون توجه به فرهنگ و قومیت کشورها در منطقه بوده است. از نتایج صورت بندی اجتماعی نا همگونی، وقوع برخوردها و تنش‌های قومی در داخل مرزها ملی کشورهای منطقه است به گونه‌ای که این موضوع به واقعیتی انکار ناپذیر در زندگی مردم منطقه تبدیل شده است در بسیاری از کشورها غلبه نهایی یک گروه خاص به انحصارگرایی و سرکوب کل عرصه سیاسی می‌انجامد (Gurrand Harff, 1994: p.7). بیش از ۲۳۰ میلیون نفر جمعیت خاورمیانه از چندین قوم تشکیل می‌شود. پراکندگی، تعداد و اهمیت هر یک از اقوام از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. در کشورهای مثل عربستان سعودی اقلیت‌های قومی یا وجود ندارند یا از اهمیت چشمگیری برخوردار نیستند. در حالیکه تنوع قومی در بعضی از جوامع مانند ایران بیشتر است. بیش از دو میلیون اقلیت کرد در عراق وجود دارد که از سالیان گذشته برای کسب امتیازات گوناگون تلاش می‌کنند. (سلیمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

نفت زمینه تحکیم موقعیت دولت عربستان سعودی را ایجاد و منابع لازم را برای تأمین هزینه‌های یک بوروکراسی مدرن فراهم کرده است و اگر درآمدهای نفتی نبود دولت سعودی به سختی می‌توانست موقعیت خود را با تکیه بر درآمدهای حاصل از زیارت حج و مالیات ستانی از جمعیتی به شدت فقیر مستحکم کند ثروت نفت در خلیج فارس به تحکیم موقعیت و در برخی موارد به پدیدار شدن دولت‌های مستقل منجر شده است در صورت نبود ثروت نفت این دولت‌ها به سختی به حیات خود ادامه می‌دادند و یا به سادگی ناپدید می‌شدند (Luciani, 2005: p.p 85-87). مفهوم ملت که در جوامع مدرن از نشانه‌های قدرت دولت است در خاورمیانه اعتبار ندارد احزاب، انجمن‌های مدنی و گروه‌های اجتماعی دارای پایگاه مردمی و مورد پسند دولتمردان نیستند اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس دارای ساختارهای قومی و قبیله‌ای هستند و جامعه مشروعیت سیاسی حکومت را مورد پذیرش قرار داده‌اند. رژیم‌هایی که از مشروعیت سیاسی بالایی برخوردار است از توان بازدارندگی بیشتری در مقابل جنگ داخلی یا انقلاب برخوردار خواهد بود (لی جی مارتین، ۱۳۸۹: ۴۵).

تشدید بحران آب در طی سالهای اخیر لزوم توجه بیشتری از سوی کشورهای منطقه را می‌طلبد. نشت نفت در طول جنگ‌های خلیج فارس از طریق میدان‌های نفتی و ورود بیش از میلیون‌ها بشکه نفت در جریان حمله عراق به کویت و نیز نشت میلیون‌ها تن نفت به آبهای خلیج فارس و دریایی عمان تأثیر بسزایی در افزایش آلودگی آبهای خلیج فارس داشته است. هم‌چنین عبور و مرور شناورهای که به حمل و نقل نفت خام و محصولات نفتی می‌پردازند و در پی آن تخلیه مواد زائد مانند شستشوی موتور، فاضلاب، آب توازن کشتی و بسیاری از موارد دیگر سبب بروز مداوم انواع آلودگی‌ها در منطقه شده است. از سوی دیگر برخی از کشورهای منطقه برای افزایش وسعت سرزمینی و داشتن ساحل بیشتر و بدست آوردن منافع اقتصادی حاصل از گردشگری اقدام به ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس کرده‌اند.

جزیره مصنوعی جزیره‌ای است که ساخت دست بشر باشد و عوامل طبیعی در ایجاد آن نقشی نداشته باشد. در منطقه خاورمیانه امارات متحده عربی اولین کشوری است که تصمیم خود را برای استفاده از این نوآوری بشری اعلام کرد این کشور در نظر دارد طی ۱۰ سال ۳۲۵ جزیره مصنوعی را برپا کند و با پایان این پروژه امارات به جای ۶۰۰ کیلومتر ۱۲۰۰ کیلومتر ساحل در اختیار خواهد داشت (بنی اسد زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۴). ساخت جزایر مصنوعی از سوی امارات متحده عربی باعث تغییر در اکوسیستم خلیج فارس که باعث عدم تعادل زیست محیطی و کاهش وسعت خلیج فارس خواهد شد. مشکلات زیست محیطی تا حد زیادی نتیجه روند صنعتی شدن کشورها و افزایش بی‌رویه جمعیت است و همین دو عامل سبب شده است که محیط زیست تخریب یابد. انسان به نیروی مقتدری تبدیل شده است که باعث ایجاد شگفتی در حیات خویش و قطع ریشه‌های هستی‌اش گردیده است (امیدی، ۱۳۸۶: ۷۳).

ب) خصائل امنیتی در سطح فرا منطقه‌ای

واژه کمر بند شکننده^۱ صحیح‌ترین واژه‌ای که درباره منطقه خاورمیانه ارائه شده است. ساموئل کوهن کمر بند شکننده را در دهه ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار داد کوهن از این واژه به عنوان جایگزینی در برابر فضایی امنیتی دوران جنگ سرد استفاده نمود. به عبارت دیگر کوهن تلاش داشت تا شاخص‌های سیاسی، امنیتی و استراتژیک منطقه خلیج فارس را در ساختار

^۱. Shatter Belt

امنیت خاورمیانه تحلیل و تبیین نماید وی بر این اعتقاد بود که در حوزه‌های که رقابت قدرتهای بزرگ و منافع متعارض واحدهای منطقه‌ای وجود دارد همواره تنش و درگیری شکل می‌گیرد. وی درگیری‌های امنیتی را ناشی از شرایطی دانست که در حوزه خلیج فارس منافع متعارض بازیگران سیاسی و قدرتهای بزرگ ایجاد می‌شود شرایطی که در آن درگیری‌ها تابعی از منافع استراتژیک است. از جمله شاخص‌های حوزه کمر بند شکننده را می‌توان موضوعاتی از جمله جنگ‌های مرحله‌ای در استقرار یگان‌های نظامی قدرتهای بزرگ و مقاومت نیروهای اجتماعی و سیاسی در حوزه منطقه خلیج فارس دانست (پوستین چی، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

از ابتدای قرن نوزده به بعد قدرتهای خارجی با مداخله در منطقه خاورمیانه به ویژه خلیج فارس و رقابت با یکدیگر برای سلطه بر منطقه موجبات نا امنی را در منطقه فراهم کرده‌اند این سیاست ناشی از موقعیت استراتژیک منطقه و پس از کشف نفت برای سلطه بر منابع نفتی بوده است. منطقه طی دو قرن اخیر یکی از حوزه‌های اصلی رقابت قدرتهای بزرگ بوده است. از سال ۱۹۷۱ تا پایان جنگ سرد هدف ایالات متحده از حضور در منطقه مقابله با نفوذ کمونیسم، تأمین امنیت برای صدور نفت، امنیت اسرائیل و حفظ رژیم‌های محافظه کار منطقه بوده است. با فروپاشی شوروی و شکل گیری نظام چند قطبی براساس ژئوپلیتیک‌های اقتصادی در جهان ایالات متحده علاوه بر اهداف پیشین درصدد برقراری سلطه بر منطقه خلیج فارس با استفاده از نفت به عنوان سلاح سیاسی برای کنترل رشد اقتصادی رقبای خود می‌باشد. از سوی دیگر ایالات متحده با منعقد کردن پیمان‌های دفاعی مشترک با کشورهای منطقه و دائمی ساختن حضور نیروهای خود در منطقه همچنان به عنوان مهمترین بازیگر منطقه‌ای است. از جمله استراتژی‌های ایالات متحده که بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بیشتر نمایان شده است پیگیری طرح خاورمیانه بزرگ است بر مبنای این طرح ایالات متحده و غربی‌ها دموکراسی سازی را استراتژی در جهت شکل گیری نهادها، ساختارها و ارزشهای متناسب برای مبارزه با تروریست‌ها تبیین کرده‌اند.

طرح خاورمیانه بزرگ بر چند فرض اساسی استوار است: اول آنکه منشاء و خاستگاه افراط گرایی و تروریسم که منافع ملی غرب و امنیت بین الملل را تهدید می‌کند حوزه جغرافیایی شمال افریقا، خاور نزدیک و خاورمیانه است. دوم آنکه وضع تهدید زای منطقه حاصل فقدان آزادی و دموکراسی، سطح پایین دانش، عدم توسعه فرهنگی، جایگاه نامناسب زنان و وضعیت نامطلوب حقوق بشر است به عبارت دیگر توسعه نیافتگی و محرومیت مردم از حقوق سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی باعث رشد افراط‌گرایی اسلامی، تروریسم، مهاجرت غیر قانونی و جرائم سازمان یافته بین‌المللی می‌شود و سوم آنکه بهترین راه حل برای درمان مشکلات و معضلات توسعه همه‌جانبه در قالب اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۹).

استراتژی امنیتی مشارکت جویانه ایران در خاورمیانه:

امنیت‌سازی را می‌توان یکی از دغدغه‌های دائمی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل دانست. نظر به اهمیت امنیت در ساختار نظام بین‌الملل، منطقه خاورمیانه را باید یکی از مناطقی دانست که رویکردهای امنیتی در آن از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. اما شواهد و قراین نشان می‌دهند که رویکردهای امنیتی و روند برقراری آن در این منطقه با ثبات همراه نبوده است و بحث امنیت‌سازی از دغدغه‌های اصلی این حوزه جغرافیایی بوده است. وجود این ویژگی از ملاحظات امنیتی ناشی از عوامل و دلایلی است که از جمله می‌توان به دلایل و عواملی چون: موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و منابع عظیم نفت و گاز در آن، تقویت حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی-فرقه‌ای و تروریسم، دولت‌های ضعیف و شکننده و عدم اعتماد بازیگران منطقه‌ای به یکدیگر اشاره کرد. هرگونه ترتیبات امنیتی موفق، مستلزم در نظر گرفتن تمامی عوامل و مؤلفه‌های فوق با رویکردی تدریجی و فراگیر است. نظر به قابلیت‌های ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی خاورمیانه می‌توان رویکرد امنیتی مشارکت جویانه را برای جمهوری اسلامی ایران در برقراری امنیت و روند اجرایی‌سازی آن شناسایی کرد.

تفکر اصلی و مرکزی حاکم بر رهیافت مشارکت جویانه آن است که همه کشورها می‌توانند امنیت نسبی را از طریق پذیرفتن تعهدات متقابل در خصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خویش تأمین کنند. در این رویکرد امنیتی تنها دوستان و متحدان حضور نمی‌یابند بلکه فرض بر این است که دشمنان همان محدودیت‌های فنی را بر رفتار خود خواهند پذیرفت که دوستان می‌پذیرند و این کار به رغم وجود بی‌اعتمادی متقابل، امری شدنی است. همچنین فرض بر این است که این محدودیت‌های قانونی و فنی، امتیازات متقابلی را نیز در بر خواهد داشت. در این الگو، تضمین‌های امنیتی نه از طریق سلطه بلکه برعکس از راه غیر قابل قبول کردن گزینه‌هایی که هدف آنها کسب سلطه بر رقیبان است، به وجود می‌آید. در رویکرد

امنیتی مبتنی بر مشارکت و همکاری، امنیت به طور فزاینده‌ای به منزله ملک مشاعی تعریف می‌شود که قابل تقسیم نیست. این رویکرد کشورها را به دوست، متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است و همه شرکاء خواستار امنیت متقابل هستند. این رویکرد بیش از رویارویی بر مشاوره، بیش از بازدارندگی به اطمینان، بیش از پنهان کاری بر شفافیت، بیش از تنبیه بر ممانعت و بیش از یکجانبه گرایی بر وابستگی متقابل تأکید می‌کند (واعظی، ۱۳۸۶: www.csr.ir).

توسعه امنیت مبتنی بر همکاری فرایندی تکاملی است و به وسیله طرحی بزرگ هدایت نمی‌شود، بلکه از طریق ایجاد مجموعه‌ای از ابزارها که به گونه‌ای مجزا به اصول امنیت مبتنی بر همکاری کمک می‌کنند، به دست می‌آید. امنیت مشارکتی به خط مشی‌های حکومت‌ها یا گروه‌های سازمان یافته اشاره دارد که بازتاب طرز تلقی رقبای سابق یا گروه‌های که همدیگر را رقبای بالقوه به حساب می‌آورند. آن‌ها برای تغییر روشهای کشمکش آمیز به روشهای کمتر کشمکش آمیز پیش می‌روند به عبارت دیگر امنیت مشارکتی اساساً نمایانگر سیاستی است که در عمل نسبت به کشمکش دارای تظاهرات صلح جویانه است و صرفاً سیاست امتناع از خشونت یا تهدید نیست بلکه از راه مذاکره در جستجوی راه حل‌های عملی و همچنین تعهد به اقدام پیشگیرانه عمل می‌کنند (اولاف نادسن، ۱۳۸۶: ۹۸). امنیت مبتنی بر همکاری و مشارکت در وهله اول بر ممانعت کردن از کشمکش‌های بین دولتی، نظیر گرایش‌هایی که برای حفظ امنیت وضع موجود بین و درون دولت‌ها کار می‌کنند، متمرکز است. همچنین از امنیت مبتنی بر همکاری برای حفظ امنیت افراد یا گروه در دولت‌ها استفاده می‌شود. این رویکرد به شنیده شدن صداهای غیردولتی نیز توجه دارد و علاوه بر تأکید بر توسعه گفت و گو و همکاری میان دولت‌های منطقه‌ای، گفت و گوهای امنیتی غیر رسمی میان عناصر غیر دولتی مانند نخبگان و دانشگاهیان را نیز مدنظر قرار می‌دهد.

رویکرد مشارکتی و همیارانه ایجاد امنیت مبتنی بر رویکرد سازه انگاری است و از دل آن استخراج می‌گردد. فعال شدن این الگو به موازات تداوم فرایندهای رئالیستی انجام گرفته است. بنابراین، هنگامی که نشانه‌های امنیت همیارانه فعال می‌شود، طبیعی است که شاخص‌های امنیت رئالیستی نیز بتواند کارکرد خود را حفظ کند. رهیافت امنیت همیارانه بر این اعتقاد است که نظام بین‌الملل و محیط‌های منطقه‌ای در فضای آنارسی قرار دارند، اما عبور از آنارسی بر اساس الگوهای متنوعی از جمله رهیافت همیارانه شکل خواهد گرفت. زمانی که ذهنیت

مبتنی بر آنارشی بر تمام حوزه‌های ادراکی امنیتی تحلیلگران غلبه کند، شرایط معادله بازی امنیتی بر اساس حاصل جمع جبری صفر شکل خواهد گرفت. این موضوع ایجاب می‌کند تا بازیگران، سطح بیشتری از قدرت سخت‌افزاری را مورد استفاده قرار دهند، زیرا بدون قدرت سخت‌افزاری قادر نخواهند بود تا بر چالش‌های امنیتی که در قالب ذهنیت سنتی شکل گرفته است، غلبه کنند. هنگامی که به کارگیری ابزار نظامی، چالش‌های امنیتی را در حوزه‌های مختلف جغرافیایی افزایش دهد، نشانگر آن است که تئوری‌های امنیت‌سازی دچار بحران شده اند. به طور کلی می‌توان تأکید کرد که بخشی از بحران امنیتی در حوزه‌های امنیتی مختلف ناشی از درک نادرست درباره الگوهای مناسب در رفتار امنیتی است. زمانی که قالب‌های ادراکی امنیت برای پاسخگویی به شرایط موجود ناکارآمد باشد، امنیت‌سازی منطقه‌ای نیز دچار فرسایش شده و مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. امنیت رئالیستی، زمینه‌های حمایت همه جانبه آمریکا و جهان غرب از اسرائیل و دولت‌های اقتدار گرا را به وجود آورد. این رهیافت، تضادهای منطقه‌ای را افزایش داده و زمینه‌های واکنش نسبت به محیط امنیتی توسط بازیگران را فراهم کرده است. در چنین فرایندی، شاهد ظهور نشانه‌های تنش‌زدایی در روابط کشورهای تأثیر گذار بر امنیت خاورمیانه بوده‌ایم. شاخص‌های چنین روندی را می‌توان در همکاری‌گرایی، شفاف‌سازی، اعتماد سازی و گسترش فعالیت‌های مشترک در حوزه‌های هنجاری و ایستاری مشاهده کرد (واعظی، پیشین).

الگوهای رفتاری همکاری جویانه، دیپلماسی مشارکتی و همبستگی استراتژیک خاورمیانه‌ای ایران:

مهم‌ترین نمود الگوهای رفتاری همکاری جویانه و مشارکتی ایران در انعطاف‌پذیری مشروط این کشور در پروژه هسته‌ای و تعامل با مجموعه همگرای خاورمیانه، مجموعه‌ای چون شورای خلیج فارس، تجلی می‌یابد. در بحث مربوط به همکاری‌های هسته‌ای ایران در جغرافیای خاورمیانه، بحث از قدرت‌های بزرگ و منویات آنان نیز مربوط می‌شود. اینکه چرا در همکاری‌های هسته‌ای ایران، بحث از نحوه تعامل با کشورها و قدرت‌های بزرگ پیش می‌آید، مسئله به ارتباط کشورهای خاورمیانه با این گونه کشورها باز می‌گردد. به بیان دیگر قدرت‌های بزرگ، همگرا با کشورهای خاورمیانه هستند و در حقیقت همسویی ایران با این قدرت‌ها، خواسته‌های کشورهای خاورمیانه را نیز محقق می‌سازد. قراین نشان می‌دهند که اصرار ایران بر

سر پروژه هسته‌ای نوعی نگرانی برای کشورهای خاورمیانه ایجاد کرده است که متعاقب آن، نگرانی‌های کشورهای بزرگ را نیز به همراه داشته است. پروژه ایران هراسی محافل عرب و برخی از کشورهای خاورمیانه در این راستا قابل ارزیابی است (مجتهدزاده، ۱۳۸۴: ۵۷). استراتژیست‌های غربی و برخی از استراتژیست‌های محافل عرب در سال‌های گذشته تلاش گسترده و قابل توجهی را برای تنظیم راهبرد مشخصی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران به انجام رسانده‌اند. آنان در صدد بودند تا الگوهایی را طراحی کنند که گزینه غیر خصمانه در ارتباط با ایران از مطلوبیت بیشتری برخوردار شود. علت این امر ناشی از شرایط بحرانی خاورمیانه و همچنین فضایی بود که منجر به تصاعد جدال‌های منطقه‌ای می‌شد. الگوهای غیر خصمانه و انعطاف پذیر غرب و قدرت‌های بزرگ مبین این نکته بود که مذاکره و همچنین مصالحه‌گرایی بهترین الگوها برای حل منازعات منطقه‌ای و بحران‌های بین‌المللی هستند. زمانی که مذاکرات دو جانبه یا چند جانبه انجام می‌گیرد، بیانگر آن است که طرف‌های درگیر از انگیزه لازم برای حل مسالمت آمیز اختلافات برخوردارند. از سوی دیگر چنین فرایندی را می‌توان نمادی از همکاری برای ایجاد منافع مشترک در موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی دانست. زمانی که اختلافات دو کشور در مورد یک موضوع امنیتی افزایش می‌یابد و یا این که به مواضع متضاد و متعارضی می‌رسند، در آن شرایط باید موضوعات فرعی دیگری در دستور کار قرار گیرد تا زمینه برای ایجاد انگیزش همکاری جویانه بین کشورهای متعارض فراهم شود (متقی، ۱۳۸۵: ۱۵). آنچه از استراتژی هسته‌ای ایران می‌توان استنباط کرد این است که دستیابی به انرژی و فناوری هسته‌ای برای ایران در جهت توازن با اسرائیل است و اینکه انرژی هسته‌ای به نیروی بازدارنده‌ای جهت دفع تهاجم خارجی در نظر گرفته شده است و سند چشم انداز ۱۴۰۴ نیز دستیابی به انرژی و فناوری هسته‌ای را در جهت قدرت منطقه‌ای و افزایش اعتبار بین‌المللی و توان تأثیر گذاری بر نظام بین‌المللی را موجه می‌سازد. در واقع استراتژی هسته‌ای ایران پیرامون امنیت، پیشرفت و اعتبار دور می‌زند.

همکاری‌های زیست محیطی و هم چنین مشارکت اقتصادی مهمترین مظاهر و نمادهای الگو سازی امنیتی در الگوی مشارکتی و امنیتی است. مهم‌ترین سند مربوط به الگوهای مشارکتی ایران در قالب برنامه‌های زیست محیطی خاورمیانه مربوط به پروژه تحلیل برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی ایران در قالب برنامه چهارم توسعه از فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ می‌باشد. در پروژه زمانی، ملاحظات مربوط به توسعه پایدار و از جمله

مسائل زیست محیطی به ارکان اصلی توسعه تبدیل شده است. بدنه حمایتی این پروژه از سوی یونسکو به عنوان یکی از موثرترین سازمان‌های بین‌المللی تقویت می‌گردد. در پروژه مزبور سه حوزه طبیعت، نظام‌های پشتیبان و اجتماع و با سه حوزه مردم، جامعه، اقتصاد در کانون توجه قرار گرفتند تا بر اساس روش شناسی کل‌گرا، یکپارچه، مورد مطالعه قرار گیرند. در این چارچوب نشست‌های علمی از جمله اجلاس زمین شکل گرفت و در آن اصولی برای ساخت یک جهان عدالت توأم با صلح و توأم با پایداری مطرح شد تا با رویکرد یکپارچه به شناخت مسائل و مشکلات در هم پیچیده و مرتبط به هم در سطح جامعه جهانی بپردازد (قدیری، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

یکی دیگر از مهمترین نمودهای مشارکت همکاری جویانه ایران در بعد اقتصادی به ویژه در زمینه انرژی نمود پیدا می‌کند. در اینجا نیز پای قدرت‌های بزرگی چون آمریکا در میان است. همانگونه که سیاست‌های انرژی ایالات متحده پیداست، تعامل انرژی این کشور با کشورهای حوزه خاورمیانه غیر قابل انکار است. ایالات متحده آمریکا در تعقیب سیاست‌های انرژی خود، سال‌های متمادی در منطقه حضور داشته و امنیت کشورهای این منطقه را تأمین کرده است (عسلی، ۱۳۸۵: ۳۷).

از شواهد علائم اینگونه بر می‌آید که حفظ منافع آمریکا تابعی از امنیت انرژی و دسترسی آسان به انرژی منطقه خاورمیانه می‌باشد. برای حفظ این حوزه مهم و حیاتی انرژی دو راهکار بیشتر وجود ندارد: راهکار نخست تعامل و ارتباط مبتنی بر حفظ منافع مشترک با کشورهای این منطقه است و دومین راهکار رویارویی و درگیری است. یکی از تولیدکنندگان انرژی در این حوزه ایران است، الگوی تعامل ایران هم در این حوزه مشارکت جویانه است که هم متضمن تأمین اقتصاد است و هم متضمن تأمین امنیت. این الگوی مشارکت جویانه اگرچه همسو با استراتژی انرژی آمریکا نیست اما همسو با سیاست انرژی کشورهای منطقه است. موفقیت یا شکست هر گونه ترتیبات امنیتی خاورمیانه به طور وسیعی بستگی به ساختار اهداف و چگونگی تعامل اعضاء با یکدیگر و سازوکارهایی دارد که برای تأمین امنیت منطقه‌ای از آنها استفاده می‌شود. در این راستا، سیستم امنیتی مطلوب، سیستم جمعی است که اقناع، مصالحه، دیپلماسی، احترام و حمایت از ارکان آن است. از شواهد و نشانگان پیداست که الگوهای همکاری جویانه ایران، در حوزه انرژی و به جهت تأمین امنیت ناظر بر سیستم جمعی است (حشمت زاده و بهرورزی، ۱۳۸۳: ۱۰).

الگوی چهارم مربوط به مبارزه علیه تروریسم، گروه‌های تکفیری و داعش در منطقه خاورمیانه است در این مورد توافق روسیه، ایران، حزب الله و گروه‌های مقاومت و در اواخر ترکیه نمودی از دیپلماسی مشارکتی و استراتژی مشارکت جویانه این کشورها جهت مبارزه با تروریسم است ۳ کشور روسیه، ترکیه و ایران به عنوان کشورهای تضمین کننده در مذاکرات صلح سوریه توافق کردند که تنش‌ها را در سوریه کاهش دهند این توافق کمک زیادی به پیشبرد راهکار سیاسی کرد ایجاد مناطق کاهش تنش موجب خواهد شد که تنش سوریه و ترکیه نیز کاهش پیدا کند و آنها تمرکز بیشتری برای مقابله با هرج و مرج در شمال شرقی سوریه داشته باشند. این توافق یک اقدام مؤثر برای هموار کردن مذاکرات صلح و پایان دادن به جنگ شش ساله و پایان داعش و تروریسم است.

تهدید زدایی و غیر امنیتی کردن الزام استراتژی امنیتی ایران

بعد از جنگ ایالات متحده علیه طالبان و حکومت بعث صدام قدرت یابی گروه‌های تروریستی نظیر طالبان و القاعده که به ضرر جمهوری اسلامی ایران بود کاسته شده و تهدیداتی که به وسیله این گروه‌های سیاسی متوجه تمامیت ارضی کشورمان می‌شد تا حدود زیادی دفع خطر شده است. اما از سوی دیگر با رشد بنیادگرایی اسلامی و گسترش گروه‌های تکفیری نظیر داعش و تهدیداتی نظیر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، عملیات تروریستی و حضور نیروهای خارجی به تهدیدات علیه بقای نظام تبدیل شده‌اند و از سوی دیگر پیگیری دستیابی به انرژی هسته‌ای از سوی ایران با مخالفت کشورهای غربی و منطقه روبرو شده است که با توافق برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) تا حدودی مسئله هسته‌ای ایران به صورت غیر امنیتی درآمد هر چند با روی کار آمدن ترامپ رئیس جمهور جدید ایالات متحده انرژی هسته‌ای و توافق هسته‌ای با چالش اساسی مواجه شده است. دولت جدید ایالات متحده با وضع تحریم‌هایی که لزوماً مربوط به پرونده هسته‌ای هم نبوده و به بهانه قدرت نمایی ایران در منطقه و آزمایش‌های موشکی، عملاً تلاش می‌کند تا ایران را از بهره‌گیری از مزایای اقتصادی برجام هسته‌ای محروم کرده و کشورمان را وادار کنند با اتخاذ رفتارهای تند، از برجام خارج شود.

و اختلاف بر سر جزایر سه گانه نیز از سوی امارات متحده و کشورهای خلیج فارس تهدید جدی به شمار می‌روند. پرونده هسته‌ای و جزایر سه گانه به پروژه‌های امنیتی تبدیل شده‌اند که ضرورت رفتار استراتژیک ایجاب می‌کند تا جمهوری اسلامی ایران در وضعیت تهدید زدایی قرار

گیرد. در شرایطی که تهدیدات امنیت ملی افزایش پیدا می‌کند ضرورت‌های امنیتی ایران ایجاب می‌کند شکل جدیدی از رفتار استراتژیک به کار گرفته شود که مبتنی بر تهدید زدایی است. ضرورت تهدید زدایی را می‌توان یکی از شاخص‌های رفتار استراتژیک ایران در عرصه بین المللی دانست. در دوران‌های که تهدیدات امنیت ملی افزایش می‌یابد و شرایط مبتنی بر عدم اطمینان ظاهر می‌شود ضرورت‌های امنیت ملی ایجاب می‌کند توانایی سازگاری بین المللی را داشته باشد. زیرا بدون سازگاری بین المللی امکان تهدید زدایی کاهش می‌یابد اگر چه نظام بین المللی در شرایط موجود ماهیت قیم مآب و همساز کننده دارد. در صورتی که زمینه‌های لازم برای حداکثر توانایی‌های سازگاری بین المللی فراهم شود در آن شرایط سطح تهدیدات کاهش می‌یابد. حضور نیروهای امریکایی در منطقه به سبب تضمین امنیت انرژی و اسرئیل و حفاظت از کشورهای عربی در منطقه تهدیداتی را متوجه جمهوری اسلامی ایران می‌کند در این میان تهدید زدایی امریکا از دو طریق صورت می‌گیرد. گام اول آن را باید در راستای حداکثر سازی ارتباطات بین المللی از طریق هماهنگ سازی با هنجارهای بین المللی دانست. دومین الگوی تهدید زدایی را باید بالابردن هزینه‌های مداخله گری امریکا تلقی نمود. الگوی اول در جهت حمایت از چند جانبه گرایی بین المللی در برابر یکجانبه گرایی امریکا سازمان دهی شده است. در حالی که الگوی دوم را می‌توان اقدامی در راستای منصرف سازی امریکا از عملیات تهاجمی تشدید یابنده دانست (متقی، ۱۳۸۵: ۷۷-۷۴).

تهدید زدایی و غیر امنیتی کردن سیاست‌ها و استراتژی‌ها در اواسط دهه ۱۹۹۰ به ویژه در سالهای اخیر و با روی کار آمدن دولت اعتدال و تدبیر به الگوی جدیدی به نام اعتماد سازی ارتقاء یافت. اعتماد سازی می‌تواند ماهیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد. عناصر اصلی اعتماد سازی را می‌توان در هماهنگ‌سازی ایده‌ها، هنجارها و انتظارات فرهنگی و ارزشی کشورها دانست. بنابراین تعادل هنجاری اهمیت و مطلوبیت ویژه‌ای یافت امنیت‌سازی به همان گونه که نیازمند توازن قدرت است، تحت تأثیر شاخص‌های دیگری از جمله تعادل هنجاری، اعتماد سازی و بهره‌گیری از رژیم‌های اعتماد ساز نیز قرار می‌گیرد. در این شرایط، فضای بین المللی برای تحقق چنین الگویی از امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه، دچار نوسانات رفتاری و کارکردی شد. تئوری جنگ پیشدستانه جورج بوش و بهره‌گیری از فضای اساسی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر را می‌توان در زمره موضوعاتی دانست که تحقق امنیت همیارانه در خاورمیانه را با مشکل و مخاطره رو به رو کرد. شعارهای تندرو علیه گروه‌های اسلامی در خاورمیانه و بهره

گیری از الگوی تغییر رژیم منجر به سازماندهی طرح خاورمیانه بزرگ شد. این طرح در تعارض با سازماندهی امنیت همیارانه قرار داشت. دلیل تعارض چنین طرحی با امنیت همیارانه و خلیج فارس در خاورمیانه را می‌توان تأکید بر نشانه‌های قدرت محور در سیاست خارجی بوش دانست. در این شرایط، موضوع اصلی کشورهای خاورمیانه را تلاش برای بقاء تشکیل می‌داد. از زمانی که سیاست تغییر در رفتار امنیتی و سیاست خارجی آمریکا مورد توجه قرار گرفت، امید بیشتری برای سازماندهی طرح امنیت همیارانه فراهم شد. دیگر شواهد نشان می‌دهند که بهره‌گیری از الگوی تحرک دیپلماتیک، می‌تواند زمینه نزدیک‌سازی قالب‌های هنجاری و رویکردهای ادراکی مختلف در ارتباط با موضوعات امنیتی را فراهم کند. به همین علت است که دیپلماسی در محیط بحران، عامل تغییر ادراکات برای نیل به اهداف و سیاست‌های مشترک تلقی می‌شود. تحت تأثیر دیپلماسی است که شرایط سیاسی و ادراکی برای سازماندهی نهادهای منطقه‌ای فراهم می‌شود. نهادهایی که نه تنها برای حل و فصل اختلاف‌ها ایجاد می‌شوند، بلکه قادر خواهند بود تا سطح جدیدی از همکاری‌های درون منطقه‌ای را به موازات فعالیت‌های بین‌المللی سازماندهی کنند. تداوم فعالیت چنین نهادهایی را می‌توان زمینه ساز تنظیم قاعده رفتاری غیر تبعیض‌آمیز و از سوی دیگر زمینه‌های مشارکت طیف گسترده‌تری از بازیگران را برای نیل به منافع، امنیت، ثبات و موازنه در حوزه منطقه‌ای به وجود می‌آورد.

نتیجه‌گیری

تمامی کشورها در یک شبکه وابستگی متقابل امنیت جهانی قرار می‌گیرند، اما از آن جایی که تهدیدهای سیاسی و نظامی دارای منشأ نزدیک، تأثیر بیشتری در مقایسه با تهدیدهای دوردست‌تر دارند، از این رو حس ناامنی اغلب با نزدیکی و مجاورت همراه است. مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامل گروهی از کشورهاست که دارای نزدیکی جغرافیایی هستند و از لحاظ امنیتی به همدیگر وابسته هستند هر گونه تغییر در موقعیت هر یک از اعضاء موقعیت سایرین را نیز دستخوش تغییر قرار می‌دهد. منطقه خاورمیانه از جمله مناطقی است که شکل‌گیری مجموعه امنیتی منطقه‌ای بر آن دلالت می‌کند. تاریخ امنیتی خاورمیانه نشان می‌دهد که این منطقه جغرافیایی بیش از سایر حوزه‌های ژئوپلیتیکی در شرایط بی‌ثباتی، ناامنی، بحران و تعارض قرار داشته است. جنگ‌های منطقه‌ای، درگیری‌های مرحله‌ای، اختلافات سرزمینی، بحران‌های پایان‌ناپذیر و تکرار شونده را می‌توان در زمره مؤلفه‌های دانست که ضرورت مطالعه

دائمی درباره شاخص‌های امنیت منطقه‌ای را اجتناب ناپذیر می‌کند. اصلی‌ترین شاخص بحران در نشانه‌های از جمله احساس نا امنی نسبت به محیط منطقه‌ای قابل ملاحظه است کشورهای خاورمیانه نه تنها نسبت به بازیگران بین‌المللی احساس تردید دارند بلکه محیط همجوار خود را نیز امن و مطلوب نمی‌دانند. مسائل و ملاحظات امنیتی ایران در مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای افزایش یافته است. از این رو، مشاهده می‌شود که مناسبات ایران با کشورهای مختلف از افغانستان و پاکستان و هند در شرق گرفته تا آسیای مرکزی و قفقاز در اوراسیا و نیز حضور و نفوذ ایران در خلیج فارس، شامات و خاورمیانه با چالش‌های اساسی مواجه شده است. نکته نگران‌کننده‌ای که از تجزیه و تحلیل‌های منطقه خاورمیانه می‌توان استنباط کرد این است که علائم واگرایی کشورهای و نیروهایی که به صورت سنتی طی سال‌های گذشته تعامل و همراهی با جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند بروز و ظهور کرده است. ایران، ترکیه، عربستان، قطر و امارات از جمله قدرتهای منطقه هستند که بین آنها اختلافات اساسی وجود دارد تغییرات در سطوح بالایی قدرت در عربستان و قطر موجب تغییر سیاست‌ها در این دو کشور شده و آنها از بازیگری همراه با بازیگران فرامنطقه‌ای به بازیگرانی تصمیم‌گیرنده و ماجراجو تبدیل شدند و سعی در پیروی از سیاست خارجی مستقل و اثرگذار دارند. در این میان اولویت عربستان در وهله اول مقابله با گسترش نفوذ ایران در سرزمین‌های عربی و سپس دفع تهدید گروه‌های افراطی در سرزمین مادری است و در مرحله بعدی چشم به شاخ آفریقا و کشورهای عربی آفریقایی دارد. اقدامات عربستان سعودی علیه ایران در بحران یمن نمود تازه‌ای یافت و ریاض ادامه بحران در یمن را به معنای احتمال تسری آن به شاخ آفریقا تبلیغ و توصیف می‌کند تا از این طریق همراهی کشورهای دیگر را علیه ایران به دست آورد.

در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران می‌تواند با شرایط قدرت کنونی، خود را به عنوان بازیگری مثبت در عرصه منطقه‌ای و جهانی مطرح سازد و با ایجاد این نوع انگاره در نزد بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای باعث پذیرش نقش و قدرت منطقه‌ای خود از سوی سایر دولت‌ها شود. تحقق این هدف در گرو کنش‌گری و ابتکار ایران در تعریف چارچوب‌های منطقه‌ای و در فضایی تعاملی و اعتماد آفرین است مسأله هسته‌ای ایران که اقدامی برای استفاده‌ی مسالمت آمیز است، به یک مسأله‌ی امنیتی و اورژانسی تبدیل شده است که امنیت خاورمیانه را در شرایط مبهمی قرار داده است. شاید بی‌راه نباشد که اگر گفته شود، بعد از آنکه در اثر تحولات بهار عربی جایگاه منطقه‌ای ایران ارتقاء پیدا کرد، دول غرب و عرب، تلاش بسیار

بیشتری کردند که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را خطرناک جلوه دهند. نظام بین الملل و هژمون در برابر کشورهای که اهداف ایدئولوژیک را دنبال می‌کنند واکنش نشان می‌دهند و کشورهای را که دارای ساختارهای ایدئولوژیک هستند را با تهدیدات متعددی روبرو می‌کنند به هر میزانی که مداخله امریکا افزایش پیدامی کند موقعیت و جایگاه ایران تنزل می‌یابد. به رغم تشدید فضای ایران ستیزی در منطقه و ایجاد ائتلاف‌های ایران ستیزانه با محوریت عربستان، مساعدت آمریکا و کارشکنی این کشور در روند اجرایی شدن توافق هسته‌ای، در مجموع، فضای حاکم بر جامعه جهانی و قدرت‌های بزرگ به ضرر آمریکاست. حضور معنادار و قابل توجه بیش از صد هیئت خارجی در مراسم تحلیف و آغاز به کار دولت آقای روحانی گوشه‌ای از انزوای آمریکا و شکست آن در احیای ائتلاف‌های تحریم گسترده و بین المللی ایران را بازنمایی می‌کند.

بر این اساس تعامل سازنده و مؤثر با جهان می‌تواند به جمهوری اسلامی ایران در جهت دستیابی به اهداف سند چشم انداز کمک کند آنچه که بایستی استراتژی امنیتی جمهوری اسلامی ایران بر پایه آن بچرخد این است که دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی در جهت تهدید زدایی بر آید و رفتار دولت‌ها را از رقابت به همکاری تغییر دهد. امنیت مشارکتی برای ایجاد پیوند بین طیف وسیع موضوعات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی طراحی شده است و در پی آن است که از طریق گفتگو، همکاری و توافق اعتماد متقابل را در بین کشورهای منطقه ایجاد کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آراس بولنت و کارکایا پولات رابیا (۱۳۸۶). «از مناقشه تا همکاری؛ غیر امنیتی کردن روابط ترکیه با ایران و سوریه»، معصومه ظفرمند، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال شانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۹، پاییز.
- ادیب مقدم آرشین (۱۳۸۸). **سیاست بین المللی در خلیج فارس**، داود غرایق زندی، تهران: شیرازه.
- افتخاری اصغر و دیگران (۱۳۹۰). «بازخوانی الزامات امنیتی سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴؛ رویکردی چند جانبه»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰، پاییز.
- امیدی، علی (۱۳۸۶). «حقوق بین الملل و ساختن جزایر مصنوعی در خلیج فارس»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره نهم و دهم، خرداد و تیر.
- ایزدی جهانبخش، خلفی فرزاد (۱۳۹۰). «راهبردهای تحقق تعامل سازنده و مؤثر ایران در نظام بین الملل»، فصلنامه ره نامه سیاست گذاری، سال دوم، شماره سوم، بهار.
- برزگر کیهان (۱۳۸۸). «منطقه گرایی در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره پنجم.
- بزرگمهری مجید (۱۳۹۴). **تاریخ روابط بین الملل**، تهران: نشر سمت.
- بنی اسدزاده (۱۳۸۸). «تهدیدات زیست محیطی و امنیت خلیج فارس»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان.
- جعفری ولدانی اصغر (۱۳۸۸). **چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حشمت زاده محمدباقر و بهروزی فر مرتضی (۱۳۸۳). «نفث خلیج فارس و چشم اندازهای انرژی؛ روابط و رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی»، موسسه مطالعات بین المللی انرژی، گزارش ۱۰۹۶.
- دهقانی فیروزآبادی سیدجلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۶). «ضرورت و الزامات منطقه گرایی در تحقق برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، ویژه نامه سند چشم انداز راهبرد منطقه گرایی، شماره ۸۷، بهار.
- رابرت، جکسون؛ گئورک، سورنسون (۱۳۹۲). **درآمدی بر روابط بین الملل**، ترجمه مهدی ذاکریان؛ احمد تقی زاده و حسن سعیدکلاهی، تهران: نشر میزان.
- رستمی، علی اکبر (۱۳۸۲). **نقش غرب در رقابت تسلیحاتی منطقه خلیج فارس**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی.

- روشندل جلیل و سیف زاده حسین (۱۳۸۲). **تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سلیمانی پور لک فاطمه (۱۳۸۹). **قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیرازی حبیب اله و آخوند مهریزی مسعود (۱۳۸۶). «جایگاه منابع انرژی در تأمین امنیت خلیج فارس و امنیت آمریکا با توجه به الگوی امنیت مشارکتی»، **فصلنامه تخصصی علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره هفتم، پاییز.
- غرایق زندی داود (۱۳۸۷). **ایران و مسئله هسته‌ای**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارتین لی جی (۱۳۸۹). **چهره جدید امنیت در خاورمیانه**، قدیر نصری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- میلتون ادوارد مورلی و هنیچ کلیف پیتر (۱۳۸۴). **بحران در خاورمیانه**، ترجمه شهرزاد رستگار شریعت پناهی، تهران: قومس.
- متقی ابراهیم (۱۳۸۵). «انعطاف پذیری مشروط در همکاری‌های هسته‌ای ایران»، **روزنامه همشهری**، پاییز.
- مجته‌زاده پیروز (۱۳۸۴). «امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس»، **ششمین سمینار خلیج فارس**، دفتر مطالعات وزارت خارجه.
- مشیر زاده حمیرا (۱۳۹۰). **تحول در نظریه‌های روابط بین الملل**، تهران: سمت.
- واعظی محمود (۱۳۸۶). «رویکرد امنیتی ایران در حوزه پیرامونی»، **همشهری دیپلماتیک**، شماره بیست و سوم، اسفند.

(ب) منابع انگلیسی

- Ayubi Nazih (1995). *over-Stating the Arab State, Politics and Society in the Middle East*, London, I.B. Tauris
- Bull h (1977). *The Anarchical Society*, London, Macmillan
- Dunne t (1998). *Inventing International Society, A History of English School*, London, Macmillan
- Griffits M (1999). *Fifty Key Thinkers in International Relation*, London and New York, Routledge
- Gurr T.R and Harff .B (1994). *Ethnic Conflict in World Politics*, London, Boulder Westview
- Jackson R and Sorensen J (1997). *Introduction to International Relations*, New York and Oxford, Oxford University Press

- Hinnebusch Raymond (2003). The International Politics of the Middle East, Manchester, Manchesterup 31-
- Luciani Giacomo (2005). Oil and Political Economy in the International Relations of the Midde East, Oxford, Oxford University Press
- Wight M (1992). International Theory: The Three Traditions, New York, Holms and Meier